رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۶۶- ۱۴۸

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی (سال سوم)
شماره ۱۰ / تابستان ۱۳۹۶ / ص ۱۶۶- ۱۴۸

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نوع و میزان جرم در مناطق جرم خیز شهر ایلام

ایوب یارخواهی[۱]، یوسف حقی[۲]

[۱] کارشناس ارشد جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

[۲] کارشناس ارشد علوم اجتماعی (برنامه ریزی توسعه منطقه ای) دانشگاه علامه طباطبایی تهران

نام نویسنده مسئول:

ایوب یارخواهی

چکیده

تأثیر عوامل اجتماعی و محیط پیرامون بر نوع جرم و میزان آن در دهه‌های اخیر موضوع مطالعات تعداد زیادی از دانشمندان علوم مختلف من‌جمله جامعه شناسان و جرم شناسان بوده است. هر محیط با توجه به نیروهای بالقوه خود شرایط خاصی را برای ارتکاب بعضی از انواع جرائم فراهم می‌کند به‌گونه‌ای که به‌طورمعمول در مناطق مختلف از یک شهر میزان نوع جرائم معمولاً متفاوت است. حال این پژوهش به تبیین و تحلیل ارتباط بین عوامل فرهنگی، اجتماعی، ابعاد فضایی و کالبدی محیط و نوع جرائم شناخته‌شده دریکی از مناطق جرم خیز شهر ایلام که به‌عنوان نقطه‌ای داغ در نقشه جغرافیای جنایی این استان از آن یاد می‌شود می‌پردازد. روش تحقیق این پژوهش پیمایشی است که با ارائه پرسش‌نامه دریکی از مناطق جرم خیز و گردآوری داده‌های لازم، ابتدا از طریق SPSS داده‌ها تجزیه‌وتحلیل شده و درنهایت با توجه به نتایج حاصله پیشنهادهایی جهت مدیریت بهتر این مناطق ارائه‌شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای ناهمگونی قومی و شکافت طبقاتی، ابعاد اجتماعی فرهنگی و اندازه و کیفیت فضا بیشترین تأثیر را بر نوع جرم‌دارند و متغیر نظارت و کنترل رسمی هیچ‌گونه تأثیری بر نوع جرم ندارد. اصلاحات مربوط به فضای فیزیکی، سیاست‌گذاری بر روی علل ساختی جرم و تغییر سیاست‌های مربوط به سیستم کیفری ازجمله پیشنهادهایی هستند که در این تحقیق جهت مدیریت بهتر مناطق جرم خیز شهر ایلام پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: مناطق جرم خیز، فضای کالبدی، جغرافیای جرم، عوامل اجتماعی، نوع جرم

رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۶۶- ۱۴۸

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

مقدمه

واضح و مبرهن است که انسان همواره از نیروهای موجود در طبیعت و اجتماع تأثیر می‌پذیرد، بی‌شک کشش‌های بیرونی[1]در تکمیل فشارهای درونی[2]افراد را به سمت‌وسوی ارتکاب جرم سوق می‌دهند و می‌توان گفت یکی از متغیرهای مهم که همیشه روح و روان، رفتار و کنش انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد محیط فیزیکی پیرامون او است. شکل‌گیری شهرها و تجمع انسان‌ها بافرهنگ‌ها و اخلاقیات متنوع در کنار هم موجب شکل‌گیری زیست بومی می‌شود که اخلاقیات، رفتارها، تفکرات، نیازها و آرزوها را دچار تغییر و تحول می‌کند. هر منطقه از شهر با توجه به میزان سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و شاخص‌های توسعه‌یافتگی آن و ... یک نوع زیست‌بوم را می‌آفریند. گوشه‌های مختلف شهر خواسته یا ناخواسته بسترهای متفاوتی را برای زندگی مردمی که در آن‌ها سکنی دارند پدید می‌آورند، بعضی از نقاط شهر تجاری‌اند و بعضی کاربری مسکونی دارند، بعضی مناطق پرجمعیت هستند و بعضی محلات کم‌جمعیت، بعضی نقاط توسعه‌یافته و گران‌قیمت هستند و بعضی نقاط هم کمتر توسعه‌یافته هستند، ارزان‌قیمت و مهاجرپذیر! هرکدام از این مشخصه‌ها می‌تواند تأثیرات خاص خود را بر روی رفتار ساکنین آن منطقه برجای بگذارد. برخی مکان‌ها به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی ساکنان آن‌ها، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم‌دارند، در مقابل برخی مکان‌ها مانع و بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند. همین امر موجب می‌شود تا بزهکاران در انتخاب محل بزهکاری خود به دنبال کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند؛ بنابراین شناسایی شرایط مکانی به وجود آورنده و تسهیل‌کننده این فرصت‌ها و ارائه رهنمود برای تغییر این شرایط و تبدیل آن به فضای مقاوم در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی[3] از مهم‌ترین اهداف بررسی‌های جغرافیایی جرم و جنایت در شهرها محسوب می‌شود. (۱۰) به‌طور ساده می‌توان گفت: در مطالعات جغرافیای جنایی[4]سعی می‌شود ضمن بررسی توزیع فضایی و زمانی اعمال مجرمانه و تحلیل آن وابستگی میان عوامل محیطی و شرایط اجتماعی، اقتصادی مکان‌های جرم خیز[5]در محدوده‌های جرم خیز مشخص شود. از طرفی با تهیه نقشه‌های بزهکاری رابطه فضای زندگی و حوزه‌های اجتماعی شهر با رفتارهای ناهنجار مشخص می‌شود و از این طریق پیش‌بینی احتمالی محل‌های وقوع انواع جرائم در برخی محدوده‌های شهر امکان‌پذیر می‌شود. (۲) در ادبیات جغرافیای جنایی از مناطق جرم خیز به «نقاط داغ» نیز یاد می‌کنند.

شرمن نقاط داغ را این‌گونه تعریف کرده است: مکان‌های کوچک که وقوع جرم در آن حداقل در یک دوره یک‌ساله مکرر و قابل پیش‌بینی است یک ناحیه جغرافیایی که در آن وقوع بزه از حد متوسط بالاتر است و یا ناحیه‌ای که وقوع بزهکاری در آن نسبت به توزیع جرم در کل ناحیه متمرکزتر است. مطابق این تعریف کانون‌های جرم خیز محدوده‌ی معین و مشخصی است که سهم زیادی از کل جرائم در کل محدوده‌ی موردمطالعه را در خود جای‌داده است یا محدوده‌هایی که بزهکاری ازنظر زمان و مکان در آن تجمع یابند (۱۰) معمولاً هر منطقه با توجه به ضعف‌های ساختاری موجود در آن و وضعیت خاص فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موجب شکل‌گیری نوع خاصی از جرائم می‌شود، بعضی مناطق مولد جرائم علیه اموال هستند، بعضی دیگر مواد مخدر را رواج می‌دهند و بعضی مناطق مجموعه‌ای از جرائم متنوع را به‌صورت هم‌زمان بازتولید می‌کنند. مطالعه آسیب‌ها و مشکلات مناطق بحران‌زده می‌تواند در ارائه راهکارها و راهبردهای عملی برای مدیریت این مناطق و آگاهی بخشی به مدیران عرصه اجتماع سودمند باشد؛ اما برای ارائه راهبرد مناسب ابتدا باید این پرسش پاسخ داد شود که سهم عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، عوامل محیطی و ... بر میزان و نوع جرائم تا چه اندازه است؟ کدام عامل نقش پررنگ‌تری در شکل‌گیری مناطق جرم خیز دارد؟ نوع جرائم در مناطق مختلف چگونه است؟ و ...؟ بی‌شک پاسخ‌گویی به سؤالاتی ازاین‌دست درگرو ارائه الگویی منطقی از عوامل شکل‌گیری مناطق جرم خیز است، بررسی جرم‌شناسی و بیان مشخصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و علت‌شناسی عوامل فضایی بروز ناهنجاری‌های اجتماعی در این مناطق لازم و ضروری است.

بیان مسئله

شناسایی علل جرم‌زا بودن، ویژگی‌های خاص مناطق جرم خیز و چگونگی شکل‌گیری این مناطق می‌تواند جهت برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی و اجتماعی آتی مفید باشد. پیش‌گیری از بزه‌کاری بدون استفاده از آمار جنایی و شناسایی علل ارتکاب جرم میسر نیست، چراکه

---

[1]. External Allure.
[2].Internal Pressure.
[3]. Defensible space.
[4].Criminal geography.
[5]. Hot spots.

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

بازپروری بزهکار و پیش‌گیری از جرم بیش‌تر بر عوامل فردی و محیط پیرامون او تکیه دارد. از دیرباز ثابت‌شده است که تبهکاری شهر نسبت به روستا خیلی بالاتر است. این موضوع درواقع یکی از خصلت‌های اساسی است که از بررسی‌های تبهکاری در غرب حاصل‌شده است .زندگی شهری با تنوع ارزش‌ها و پندارها، مردمان دیگر نقاط را به خود جلب می‌کند و با تجمع آن‌ها اختلافات موجود تشدید شده و برخوردهای اجتماعی رو به تزاید می‌گذارد (۶) برخی مناطق شهر به دلیل ویژگی‌های خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میزان بزهکاری بیشتری دارند و عکس این موضوع نیز صادق است. این موضوع کاملاً روشن است که مجرمان نیز انتخاب‌گرهایی هستند به دنبال بهترین فرصت‌ها و مناسب‌ترین مکان‌ها برای ارتکاب جرم! بدین ترتیب در حوزه یک شهر مناطق (کانون‌های) جرم‌خیزی شکل می‌گیرد که دارای فرصت‌ها و اهداف مجرمانه بیشتری برای ارتکاب جرائم هستند. تحقیقات نشان داده است که آلودگی‌های زیست‌محیطی، کمبود امکانات رفاهی، بروز پدیده فقر، حاشیه‌نشینی‌ها و... افزایش بی‌هنجاری‌های اجتماعی و ارتکاب جرم را به دنبال دارد. ایجاد حس ناامنی، صرف بودجه‌های کلان مالی برای بازگشت امنیت، زیان‌های سیاسی و معنوی، ظهور وضعیت ناگوار و آشفته در زندگی مردم، پایین آمدن کیفیت رفاه اجتماعی و ... از تبعات افزایش بزه‌کاری در این مناطق است. امروزه در بیشتر شهرها بزه‌کاری مسئله بحث‌برانگیز برای مردم و موضوعی چالشی برای مسئولین است.

اگرچه اصل ۱۵۶ قانون اساسی پیشگیری از جرم را ازجمله وظایف قوه قضاییه برشمرده است، اما به نظر می‌رسد تاکنون عملکرد این قوه مانند دیگر ابعاد عملکرد نظام در قبال استان محروم ایلام با چالش جدی روبرو بوده است. چراکه بنا بر بعضی آمار استان ایلام در بعضی از سال‌ها جرم‌خیزترین استان کشور بوده است (WWW.khabaronline.1395/12/26) حال با توجه به تأثیرات محیط اجتماعی، اقتصادی و... در وقوع ناهنجاری‌های اجتماعی و تبدیل‌شدن این استان به لکه‌ای داغ در نقشه جغرافیای جنایی ایران لازم است محیط‌های جغرافیایی و مناطق جرم خیز استان شناسایی و شرایط حاکم بر آن مناطق و علل شکل‌گیری این مناطق بررسی شود، سپس با شناخت خصوصیات این نقاط و اصلاح چنین فضاهایی به پیشگیری و مهار بزه‌کاری اقدام کرد، چراکه تحمیل مجازات بر مردمی که گاها تعداد پرونده‌های جنایی و میزان اقدام به خودکشی آن‌ها باهم برابری می‌کند بدون برنامه‌های دقیق پیشگیری از جرم یقیناً نه‌تنها بازدارندگی لازم را نخواهد داشت بلکه خود عاملی در جهت وخیم‌تر شدن اوضاع خواهد بود. بر اساس تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۳ شهر ایلام یکی از ۲۵ شهر در استان ایلام است (WWW.amar.Ir1395/12/26) که با قریب ۴۳ هزار خانوار نزدیک به ۱۷۳ هزار نفر از کل جمعیت ۵۴۷ هزارنفری استان را در خود جای‌داده است که به‌طورمعمول نیمی از آمار پرونده‌های جنایی تشکیل‌شده در دستگاه‌های ذی‌ربط (پزشکی قانونی، نیروی انتظامی و دستگاه قضا) مربوط به این شهر است.

اهمیت موضوع

نکته حائز اهمیت این است که در تحلیل مکان‌های جرم خیز اولین گام شناسایی و تشخیص صحیح این محدوده‌هاست. گام بعد تشخیص عوامل و دلایل مختلفی است که به جرم‌خیزی این محدوده‌ها کمک نموده است. پس‌ازآن مبارزه با این عوامل و پاک‌سازی شرایط کالبدی، اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد (۱) در سده‌های اخیر شناسایی عوامل محیطی و مکانی بروز جرم وضعیت خاص مناطق جرم خیز و از بین بردن این عوامل وضعیت‌های نامساعد و یا حداقل کاهش تأثیرات منفی این نقاط از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین راه‌کارهای پیشگیری از وقوع ناهنجاری‌ها بوده است تا جایی که می‌توان گفت بعضی از این مطالعات بخصوص تحقیقات مکتب شیکاگو در مورد اکولوژی انسانی به طراحی شهری و احیاء محیط شهری منجر شده است.

اهمیت موضوع در شناسایی نقاط جرم خیز و بررسی مشکلات، خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی استفاده‌کنندگان از مناطق جرم خیز شهر ایلام و چرایی شکل‌گیری این نقاط است! تا از این طریق نقاط ضعف شناسایی و سیاست‌های مناسب برای پیشگیری از جرم در پیش‌گرفته شود. توزیع نامتعادل سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در مناطق از عمده عوامل بروز آسیب‌های اجتماعی است. استان ایلام به دلایلی مانند محرومیت، بی‌کاری، تبعیض و فضای ناامید حاکم بر استان، بالاترین آمار خودکشی در دنیا (WWW.amar.org.ir, 1395/12/26)، جرم‌خیزترین استان و رتبه دوم در میزان قتل در ایران (WWW.Ilampooya.ir, 1395/12/26)، دومین استان در بالا رفتن میزان سن ازدواج، با رشد جمعیت کمتر از ۴۳/. درصد رتبه یک در کاهش جمعیت (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰) و... را داراست. موضوعاتی از این قبیل باعث شده است تا مشکلات استان سال‌به‌سال حادتر شود و درنتیجه:

- میزان آسایش عمومی هرسال رو به کاهش باشد.

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

- هزینه‌های گزاف از قبل بروز جرم، هنگام کشف جرم، دستگیری، بازپروری، رسیدگی قضایی و مجازات مجرمین در این استان هرسال رو به افزایش باشد.
- پرهیز از سپری نمودن اوقات فراغت در خارج از خانه، بار شدن هزینه‌های معنوی بر عموم افراد، شکل‌گیری بیماری‌های روانی و...
- همچنین تبعات سیاسی موضوع برای دولت رو به فزونی است، چراکه بحران‌های اجتماعی، اقتصادی در بلندمدت می‌تواند به خشونت سیاسی منجر شوند.
- کاهش سرمایه‌گذاری اقتصادی به خاطر تأثیر جرم برافزایش ریسک (خطر) در این استان.
- کاهش قیمت منازل در مناطق جرم خیز و... موضوعاتی دیگر از این قبیل را می‌تواند به دنبال داشته باشد.

پیشینهٔ موضوع

توجه و علاقه به تحلیل فضایی، مکانی جرائم و به‌طورکلی بررسی رابطه مکان و جرم طی چند سال اخیر و به‌ویژه در دهه پایانی قرن گذشته در محافل علمی جهان افزایش‌یافته است (۲۵) و به‌طوری‌که در این رابطه تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است. کتله[1]بلژیکی در کتاب «فیزیک اجتماعی» آمار مربوط به بزهکاری در فرانسه رابین سال‌های ۱۸۲۵ تا ۱۸۳۶ موردمطالعه قرارداد. این تحقیقات منجر به ایجاد رشته جدیدی درزمینه آمار جنایی به نام کتلتیسم شد. برخی منابع از کتله به‌عنوان پدر آمار جنایی و ازجمله بنیان‌گذاران مکتب جغرافیای جنایی نام‌برده‌اند. گری[2]فرانسوی در قرن ۱۹ با ارائه قانون حرارتی تبهکاری بیان داشت که فصل‌ها بر نوع و میزان جرم تأثیر دارند، در فصل‌های گرم جرائم علیه اشخاص و در فصل‌های سرد جرائم علیه اموال افزایش می‌یابند. انریکو فری[3]ایتالیایی ازجمله شاگردان سزار لوم برزو[4]و از پایه‌گذاران مکتب جرم‌شناسی پوزیتویستی معتقد بود جرم نتیجه عوامل پیچیده سرشت انسانی و محیط جغرافیایی اعم از محیط طبیعی و انسانی است. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو به مطالعه بین رابطه فیزیکی شهر با نظام اخلاقی پرداختند در این مکتب جامعه‌شناسان به تأثیرات عوامل اجتماعی و بوم‌شناسی بر بی‌سازمانی اجتماعی و رفتار انحرافی پی بردند.

از چند دهه قبل و به‌ویژه از دهه ۱۹۶۰ میلادی بدین سو، توجه و علاقه فزاینده‌ای به مطالعه نقش محیط در بزهکاری و در نقطه مقابل تأثیر شرایط محیطی در پیشگیری جرم شکل گرفت، جاکوبز[5]ازجمله پیشگامان این ایده بود. وی در تز معروف خود به نام «زندگی و مرگ شهرهای بزرگ امریکا» که در سال ۱۹۶۱ انتشار یافت به مطالعه نوعی طراحی شهرها و تأثیر آن در کاهش بزهکاری و همچنین تأثیر مراقبت‌های طبیعی و معمول مردم در پیشگیری از جرم پرداخت (۱۰)

تحقیقاتی که در سال‌های اخیر در مکتوبات علمی ایران ثبت‌شده‌اند بیشتر از سوی محققین رشته‌های برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری انجام‌شده است که به شناسایی نقاط داغ جنایی، بررسی جغرافیای جرم و تأثیر عوامل جامعه‌شناختی در میزان جرم در مناطق پرداخته‌اند. ازجمله این تحقیقات می‌توان به تحقیق آقای حسین حاتمی نژاد و دیگر همکاران ایشان اشاره کرد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد عوامل کالبدی، جمعیتی و اجتماعی با میزان انحرافات در شهر مشهد رابطه دارد. همچنین نتایج تحقیق آقای مسعود تقوایی بامطالعه موردی در شهر شیراز نشان می‌دهد که بین ارتکاب جرم و کیفیت محیط مسکونی رابطه معناداری وجود دارد، علاوه بر این نوع فعالیت به‌عنوان یک عامل مؤثر در بروز جرم عمل می‌نماید. مطالعات زیادی در این زمینه انجام‌گرفته است اما پیشینه این دست تحقیقات بیشتر حول محور پهنه‌بندی جرم و تهیه نقشه‌های جنایی بوده‌اند تا بررسی ارتباط عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با نوع جرم!

چهارچوب نظری

تاکنون نظریه‌های فراوانی در رابطه با جغرافیای جرم و عوامل محیطی مرتبط با جرم تبیین شده است: بعضی از این نظریات فلسفی و غیرتجربی هستند[6]و بعضی دیگر تجربی! که در این مجال به‌اختصار گزیده‌ای از نظریات تجربی تبیین می‌گردد.

---

[1]. Quetele
[2]. Guerry
[3]. Enrico ferri
[4]. Cesare Lombroso
[5]. Jacobs

[6] -نظریات هرودوت، منتسکیو، ابند خلدون، ژان ژاک روسو و ...

رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۶۶- ۱۴۸

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

نظریه مکان‌یابی جنایی مکتب کتله و گری

کتله و گری بدون تمرکز بر جرم یا جرائمی خاص، با واکاوی تعامل و تأثیر دوسویه و متقابل محیط پیرامون و جرائم را موضوع تحقیقات خود قرار داده و با طرح نظریه «قانون حرارتی بزهکاری»، نرخ جنایی جامعه را تابع شرایط اقلیمی، تغییرات فصلی و چگونگی استقرار بناها و تأسیسات نظام شهری معرفی کردند. این دو معتقد بودند به این‌که هر جرم سرزمین مشخصی دارد، در مناطق جنوبی و در فصل‌های گرم، جرائم خشونت‌آمیز از قبیل قتل، ضرب‌وجرح، تجاوز و ... بیشتر از سایر جرائم رخ می‌دهد و در مناطق شمالی و در فصل‌های سرد، جرائم مالی بخصوص سرقت نرخ بیشتری دارد (۴۰) کتله و گری بنیان فلسفی ایده «انتقال جرم» را مطرح می‌سازند که طی آن ادعا می‌شود تمرکز بر قلمروهای جنایی پرترافیک که همواره حجم وسیعی از ارتکاب جرم را نمایش می‌دهند و پیاده‌سازی اقدامات مهارکننده در حوزه آن‌ها، سبب ایجاد تغییر در الگوهای بزهکاری و انگیزه‌های مجرمانه شده که به‌تبع آن تراکم جنایی از یک منطقه به سایر مناطق پخش و انتشار می‌یابد (۲۴) کتله و گری مدعی این موضوع هستند که افراد در جوامع مختلف همواره متأثر از شرایط و اوضاع‌واحوال محیط طبیعی، روی به استقبال از الگوها و اندیشه‌های جنایی آورده و مصمم به ارتکاب جرم می‌گردند.

نظریه‌های مکانی جرائم شهری

اولین مطالعات جغرافیای بزهکاری در شهرها به شیوه علمی از نیمه اول قرن نوزدهم و با بهره‌گیری از اندیشه‌های اکولوژی اجتماعی (کارهای اولیه کتله و گری) شروع و به دست محققان و دانشمندان مکتب اکولوژی اجتماعی شیکاگو در اوایل قرن بیستم (شاو مک کی) ادامه یافت؛ اما از چند دهه قبل (بخصوص از سال ۱۹۹۰ به بعد)، با رشد شتابان شهرها و افزایش بی‌رویه جرم و جنایت در آن‌ها، توجه و علاقه زیادی نسبت به بررسی‌های مکانی جرائم شهری شکل گرفت و همین امر موجب شد تا ابزارهای تحلیل فضایی، توسعه‌یافته و نظریه‌ها و رویکردهای مکانی جدیدی در این زمینه مطرح شود (۱۰)

مکتب شیکاگو

بوم‌شناسی جنایی یا اکولوژی، تأثیر زیستگاه فردی و محیط‌زیست فرد در رفتار مجرمانه فرد را موردمطالعه قرار می‌دهد. زیستگاه مفهوم کلی است که شامل اوضاع‌واحوال و شرایط خاص محل زندگی فرد می‌شود (۱)؛ بنابراین بوم‌شناسی جنایی، بررسی برهمکنش بین فرد و شرایط محیط‌زیست او یا تأثیر شرایط محیط‌زیست او در رفتار وی را بررسی می‌کند. با این مقدمه باید گفت که بوم‌شناسی جنایی تا اندازه‌ی زیادی ریشه در همان تفکر کتله دارد. شاو مک‌کی بعد از حدود هفتادسال که از مطالعات کتله و گری می‌گذشت، دوباره به مسائل اکولوژی و بوم‌شناسی پرداختند. این دو با مقایسه میان بوم‌شناسی (محیط‌زیست) انسان‌ها و گیاهان نشان دادند، همان‌گونه که اگر گیاهان ازنظر خاک مساعد و فضای کافی در مضیقه باشند، رشد نکرده و پژمرده می‌شوند؛ و درهرحال زندگی غیرعادی را خواهند داشت. نامساعد بودن شرایط محیط‌زیست در قلمرو انسان‌ها و بوم‌شناسی انسان‌ها هم ایجاد اختلال می‌کند (۹) دقیقاً این وضعیت در مورد فضای زیست انسانی رخ می‌دهد، به‌نحوی‌که در صورت عدم ایجاد شرایط مساعد و به‌تبع، بر هم خوردن تعادل و توازن زیستگاه انسانی، سوق یافتن افراد به‌سوی رفتارهای انحرافی و بزهکارانه، فرایندی کاملاً پیش‌بینی پذیر و قابل‌انتظار جلوه خواهد کرد. رابرت پارک بنیان‌گذار مکتب و برگس[1] ازجمله نظریه‌پردازان این مکتب اصولاً تحت تأثیر اندیشه داروین، زی مل و نشر متقابل نمادی قرار داشته‌اند. پارک کوشش کرده تا تشابهی میان محیط طبیعی و محیط اجتماعی برقرار سازد و درواقع او بنیان‌گذار جامعه‌شناسی شهری است. پارک و برگس با تقسیم‌بندی شهر شیکاگو به مناطق و محلات مختلف و کوچکی، اقدام به مطالعه نرخ جنایی و دامنه ارتکاب جرم در این محلات نمودند و اندکی بعد متوجه شدند در محلاتی که استانداردهای حداقلی یک زندگی متعادل و سالم از قبیل مسکن مناسب، تغذیه و اقتصاد مطلوب و ... وجود ندارد، نرخ ارتکاب جرم بخصوص در بین کودکان و نوجوانان بسیار بالاست. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان می‌دهد که زیستگاه فردی و محل زیست افراد مستقیماً بر قلمرو کمی و کیفی رفتارهای مجرمانه تأثیر دارد (۲۷) به‌طورکلی تفکرات مکتب شیکاگو به دو موضوع اصلی توجه دارد: یکی توزیع فعالیت‌ها در فضا و زمان در محیط شهری چگونه مانع دست‌یابی به اهداف جمعی می‌شوند؛ و دیگری این نحوه توزیع چگونه بر وجه اجتماعی افرادی که در معرض آن قرار دارند، تأثیر می‌گذارند (۱۷)

---

[1] - Burgess

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

مکتب اثبات‌گرایی

پایه‌گذاران مکتب اثبات‌گرایی (به‌ویژه در ارتباط بامطالعه جرم و جنایات) آدلف کتله، ریاضی‌دان بلژیکی و آندره میشل گری، حقوقدان فرانسوی بودند. آن‌ها از آماری که در آغاز قرن نوزده در اروپا در زمینه‌های گوناگون مانند جمعیت و تراکم آن، گرایش‌های دینی و میزان ثروت برای تعیین روابط اجتماعی بود، استفاده می‌کردند. این دو پی بردند که ارقام جنایات در طول سال‌های مختلف در کشورشان ثابت است. پس به این نتیجه رسیدند که پدیده‌هایی در ساخت اجتماعی، ارقام جنایت را ثابت نگاه می‌دارند و با یافتن آن‌ها می‌توان فعالیت را از بین برد. این دو متفکر درواقع بنیان‌گذار جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی هستند. اثبات‌گرایی به دو بعد اصلی توجه می‌کند: اول اینکه رفتار انسان کارکرد نیروهای بیرونی است که فراتر از اختیار فرد هستند. دوم نیروهای شخصی و روانی که بر رفتار تأثیر می‌گذارند (۱۷)

نظریه‌های پنجره شکسته

نظریه پنجره‌های شکسته با بی‌تمدنی و نامدنیت[1] که رویکرد غالب آن بانام متفکران و محققانی چون «جیمز ویلسون[2]»، «فیلیپ زیمباردو[3]»، «جرج کلینگ[4]» و «جاکوبس[5]» عجین شده است، حاوی گفتمانی انضباط محور است که جرم و بی‌نظمی شهری-محیطی را همزاد هم معرفی می‌کند محیط‌زیست شهری نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری رفتار و نگرش افراد دارد. جرج کلینگ و جیمز ویلسون در یک مقاله معروف در ماهنامه آتلانتیک در مارس ۱۹۸۲، با عنوان پنجره‌های شکسته شده: پلیس و امنیت محله‌ها بر این باورند که غفلت‌های در مقیاس کوچک، همچون برجای گذاشتن یک پنجره شکسته و تعبیه نشده، گویا پیام زوال و بی‌تفاوتی است؛ که موجب تشویق رفتارهای ضداجتماعی بسیار زیادی می‌شود و این مسئله سرانجام به جرم و جنایت‌های بزرگ‌تر می‌انجامد یعنی اگر در یک منطقه یا ناحیه نشانه‌هایی از بی‌نظمی دیده شود چه‌بسا بر حجم خرابی‌ها و بی‌نظمی‌ها در سطوحی چون دفع زباله‌ها و ضایعات در محیط شهری، تخریب تأسیسات عمومی، کثیف کردن معابر و شوارع و ... افزوده خواهد شد و خواسته یا ناخواسته توسعه احتمالات و فرصت بزهکاری را به دنبال دارد .این نظریه بر اهمیت حیاتی حفاظت از محیط به‌عنوان شاخص فیزیکی برای سطوح همبستگی و انسجام اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی تأکید کرده است. پژوهش بعدی کلینگ و جاکوبس در سال ۱۹۹۶ نیز این یافته‌ها را تأیید کرده است. گفتمان غالب این تئوری گویاست که اگر گزاره‌های «نظم» و «نظارت و مراقبت» از نظام اجتماعی حذف شوند، طی یک فرآیند قابل‌انتظار، قابلیت شکست نهادهای کنترلی جامعه و کلیه ارکان آن‌ها و به‌تبع محیط پیرامون در برابر تهاجمات جنایی همیشه قابل پیش‌بینی و محتمل خواهد بود. چنین مسئله‌ای در غایت امر به فرآیند فراگیر «افول مدنیت» دامن خواهد زد (۸)

نظریه پیشگیری جرم با کمک طراحی محیطی

این نظریه حاوی این گفتمان است که نوع معماری و شهرسازی و به‌طورکلی طراحی سازه‌های محیطی بزه زا است. لذا بهترین ابزار و الگوی پیشگیری از جرم، بهبود کیفیت و ارتقای ایمنی سبک معماری و شهرسازی و نوع طراحی محیط است که می‌تواند بخش اعظمی از فرصت‌ها و موقعیت‌های محیطی تکوین و بسط جرائم و انحرافات را خنثی و حذف نماید (۸) به‌طورکلی سه نگرش عمده نسبت به پیشگیری از جرم و جنایت در محیط انسان‌ساخت وجود دارد:

نگرش نخست: مشتمل بر «پیشگیری از جرم به‌وسیله طراحی محیطی» است که بر فرصت‌های جنایی تأکید داشته و می‌توان آن‌ها را از طریق فن‌های برنامه‌ریزی و معماری کاهش داد و این فن‌ها موجب فراهم کردن زمینه‌ای مشکل و پیچیده برای وقوع جرم و کاهش ترس از آن می‌گردند.

---

[1]-Incivility.
[2]- James Q.wilson.
[3]-Philip Zimbardo.
[4]- George L.Killing.
[5]-J.Jacobs.

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

نگرش دوم: دربرگیرنده «جلوگیری از جرم در مکان‌های ویژه» است. این نگرش به دنبال پرداختن به کاهش جنایت در مکان‌های ویژه از طریق ترکیب راهبردهای فیزیکی و سازمان پیشگیری از جرم نظیر سیاست‌گذاری در اجتماع و پیشگیری از جرم در اجتماع است. نگرش فوق مفهوم طراحی را با تغییرات صورت گرفته در مدیریت و استفاده از مکان ترکیب می‌کند.

نگرش سوم: مشتمل بر سیاست‌های مکانی جلوگیری از جرم است که عمدتاً در بریتانیا گسترش‌یافته است. هدف این نگرش کاهش سطوح جرم و جنایت با کمک از میان بردن یا مسدود کردن فرصت‌های جرم و جنایت است. این نگرش بر روی محیط و مکان جرم با گسترش اقدام‌ها و کاهش فرصت‌های جنایی متمرکز می‌شود. علیرغم تفاوت‌هایی که میان این سه نگرش وجود دارد، نکته اشتراک میان آن‌ها، تمرکز آن‌ها بر روی محیط است که جرم در آن اتفاق می‌افتد و بحث و استدلال در مورد طراحی و مدیریت مکان‌ها به‌منظور جلوگیری از جرم است. در سال ۱۹۷۱ هنگامی‌که مقاله: پیشگیری از جرم با کمک طراحی محیط (CPTED) را ری جفری برای اولین بار منتشر کرد نقطه عطفی در ارتباط با بررسی ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتارهای نابهنجار پدید آمد زیرا این مقوله تا قبل از آن در حوزه مباحث جرم‌شناسی قرار می‌گرفت به‌طوری‌که در دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ شاهد ظهور جغرافیای مختلف جرم هستیم که در پی کندوکاو اکولوژی اجتماعی جرم هستند و کانون تمرکز خود را بر روی موقعیت، فضا، مکان و قلمرو متمرکز ساخته‌اند (۳۴)

پیشگامان این نظریه همانند «جفری» و «جاکوبس» معتقدند که جرم، ثمره و برخاسته از فرصت‌های ناشی از معماری و طراحی محیطی نامناسب است در گفتمان این نظریه، تأکید وافری بر ارتقای کیفیت نظارت طبیعی (نظارت به‌وسیله نوع طراحی محیطی به‌گونه‌ای که نقاط کور در مظان نظاره‌گری مردم قرار گیرند) در کنار نظارت رسمی و سازمانی و ترکیب آن‌ها می‌شود. متاو رابینسون در سال ۱۹۹۶ مقاله‌ای در خصوص بررسی علل نفوذ نظریه جفری ارائه داد. وی در این مقاله ضمن بررسی ریشه‌های نظریه جفری، عکس‌العمل‌های متفاوت دولتمردان، معماران و شهر سازان، اشخاص حقوقی و دانشگاهی و مسئولان را به نظریه مزبور بررسی کرد. این عکس‌العمل‌ها طی مدت ۲۵ سال به مفهوم کلی نظریه‌ای با عنوان پیشگیری از جرم با کمک طراحی محیط تبدیل شد و سیر تکاملی یافت. در چارچوب این مجموعه نظریه تلاش زیادی برای فهم رابطه شرایط محیطی و جرم به عمل آمد (۲۹)

نظریه پیشگیری از جرم یا طراحی محیط به‌طور معناداری از راهکارهایی که پلیس، دادگاه و نظام تربیتی دستگاه‌های قضایی به کار می‌گیرند متفاوت است و در سالیان اخیر به‌عنوان دیدگاهی فیزیکی–اجتماعی در چارچوب جرم‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری نمایان شده است. این دیدگاه همواره در معرض اصلاح و ارزیابی است و بر مبنای چهار راهبرد کلیدی مشتمل بر تملک قلمرو، نظارت طبیعی، حمایت فعالیت‌ها و کنترل دسترسی‌ها بنانهاده شده است. این نگرش بر اساس این فرض استوار است که مجرمان و بزهکاران قبل از آنکه مرتکب جرم شوند وارد یک فرآیند تصمیم سازی منطقی می‌شوند. درواقع مجموعه نظریه‌های پیشگیری از جرم با کمک طراحی محیط، پیشنهاد روش‌شناسی برنامه‌ریزی و طراحی مجدد محیطی است که بر اساس آن معماران و شهر سازان می‌توانند مجال ترس از جرم و تبه‌کاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشد (۲۱)

نظریه فضای مقاوم در برابر بزهکاری

«اسکار نیومن[1]» مدعی است که تکوین و شیوع جرائم، ریشه در الگوهای شهرسازی نامناسب و ضعف تدابیر مدیران و کارگزاران برنامه‌ریزی شهری دارد؛ بنابراین با بهبود اصول معماری و با استفاده از برنامه‌ریزی شهری مدرن می‌توان مسیر ارتکاب بسیاری از جرائم را مسدود نمود. این نظریه صرفاً بر مدرنیسم ساختمانی و ایجاد تغییرات در طراحی محیطی مبتنی نیست، بلکه در کنار این ضرورت‌ها بر بهره‌وری از نیروی انسانی متخصص و مدیران کاردان در بازتعریف نظام‌نامه‌ها و سیاست‌های اداره امور جاری نظام شهری و تقویت و توسعه فرصت‌های مشارکت شهروندان و اهالی محلات مختلف در برقراری نظم و توسعه امنیت عمومی و نیز همکاری با مسئولان نهاد شهرداری، تأکید دارد (۸)

نظریه انتخاب منطقی

نظریه انتخاب عقلانی، تحلیل‌کننده رویه‌هایی است که به‌وسیله آن مجرمان و بزهکاران بالقوه اقدام به انتخاب اهدافشان می‌کنند. دیدگاه جدید انتخاب عقلانی به روی فرایند تصمیم سازی متمرکز است که بر مبنای آن مجرمان و بزهکاران اقدام به تعیین مکان‌هایی می‌کنند تا

[1]-Oscar Newman.

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

سرقت‌هایشان را انجام دهند. معمولاً انگیزه مجرمان برای انتخاب مکان و زمان جرم بر اساس هزینه‌ها و خطرها در تقابل با پاداش‌ها و دستاوردها است؛ و درنهایت اقدام به‌گزینش آن تصمیمی می‌کنند که حداکثر سود و حداقل ضرر برای آن‌ها در پی داشته باشد. در این میان محیط به‌عنوان ابزاری موردتوجه قرار می‌گیرد که پیشاپیش به مجرمان کمک می‌کند تا مکان مناسبی را برای انجام جرم خود انتخاب کنند. نظریه استاندارد انتخاب طبیعی جرم بر مبنای پژوهش بیکر (۱۹۶۸) است «شخص زمانی مرتکب جرم می‌شود که مزایای انجام جرم بر مضراتش پیشی جوید» (۲۳)

بنابراین نظریه انتخاب طبیعی جرم را به‌عنوان رویداد و اتفاقی در نظر می‌گیرد که وقوع زمانی آن هنگامی است که مجرم پس از محاسبه نیازش به پول، دارایی‌های شخصی، ثروت محله یا اثربخشی پلیس محلی اقدام به نقض قانون می‌کند (۳۲) این نظریه، خود شامل گفتمان‌های تبیین‌گر و دیدگاه‌های خردتری چون «نظریه سبک زندگی[1]» و «نظریه فعالیت روزانه[2]» می‌گردد.

نظریه سبک زندگی

این نظریه که تا حدودی رویکرد بزه دیده مدار دارد به افرادی چون «گات فرد سون[3]» و «هیندلانگ[4]» نسبت داده می‌شود. در این نظریه ادعا می‌گردد که نوع و سبک زندگی و زیستگاه افراد، ممکن است موجبات بزه دیدگی آن‌ها را فراهم آورد؛ بنابراین افرادی که در مناطق شلوغ و پرتراکم زندگی می‌کنند یا تردد و مسافرت‌های روزانه بیشتری دارند و یا افرادی همانند اطفال و نوجوانان که اصولاً سبک زندگی بازتری دارند، طی فرایندی قابل‌انتظار بیشتر در مظان بزه دیدگی و قربانی شدن قرار دارند. همچنین افرادی چون دختران وزنان جوان که بیرون از منزل و در فضاهای عمومی شهر تحرکات و فعالیت‌های گسترده‌تری دارند، اصولاً نرخ بزه دیدگی بالاتری را نشان می‌دهند (۳۶)

سایر نظریه‌ها

نظریه رابرت زمر[5] نظریه «محیط مناسب» در جست‌وجوی ارتباط میان محیط زندگی مساعد جهت ارتکاب انواع خشونت‌هاست. زمر تحقیقات جامعی درزمینه رابطه متقابل شرایط مناسب اجتماعی- جغرافیایی محیط و انتخاب جایگاه برای انجام خشونت انجام داده و می‌نویسد: انتخاب جایگاه به‌ویژه در گروه‌های کوچک تابع تکلیف از یک‌سو ویژگی‌های روان‌شناختی و شرایط فیزیکی از سوی دیگر است. مثلاً فرد معتاد ترجیح می‌دهد مکانی را انتخاب کند که در معرض دید نباشد، محل عبور و مرور نباشد (شرایط اجتماعی) و بادگیر نباشد (شرایط فیزیکی). ولی جیب‌برها خواهان مکانی هستند که محل عبور و مرور و ازدحام باشد؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که هر عملی با توجه به نوعش نیازمند مکان مناسب ازنظر اجتماعی و فیزیکی است (۹)

نظریه کلارک:[6] کلارک با نقد و به چالش کشیدن نظریات و عقاید «فرد محور»، «زیست گرا» و «روان‌شناختی» معتقد بود که وقوع جرم هرگز عامل منحصر ندارد و عوامل فردی، روانی و زیستی فقط بخشی از اسباب مؤثر در تکوین فعالیت‌های مجرمانه هستند (منبع پیشین، ۴۸) خیابان‌های فقیرنشین، مکان‌های فاقد گشت پلیس، مکان‌های مخروبه و متروکه، کوچه‌ها و خیابان‌های تاریک و خلوت، خانه‌های خالی، مکان‌هایی که سابقه خشونت وندالیسم در آن‌ها بوده و بالاخره اشیاء و موضوعاتی که قبلاً در معرض تخریب قرارگرفته‌اند زمینه بیشتری برای بروز رفتار خشونت‌آمیز دارند. به نظر کلارک هیئت، موقعیت، وضعیت، خصوصیت و کیفیت وسایل، اماکن و مناطق در انتخاب هدف و موضوع مورد کنش دخیل هستند (۹) در آوردگاه فکری این نظریه، توسعه و فزونی نرخ جنایی جامعه ریشه در افزایش فرصت‌های محیطی ارتکاب جرم دارد و لذا هرچقدر که این فرصت‌ها معدودتر و کمتر شده و تسلط و نظارت رسمی و طبیعی بیشتری در اماکن و فضاهای محیطی مختلف به عمل آید، کاهش محسوس نرخ ارتکاب جرم را شاهد خواهیم بود.

---

[1]-Life Style Model.
[2]-Routine Activity.
[3]-Gotferdson.
[4]-Hindlaung.
[5] -Robert zumar.
[6]-Clark.

رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۶۶- ۱۴۸

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

نظریه جان لنگ:[1] افزایش ارتباط مردم با قرارگاه‌ها و مکان‌های رفتاری و ایجاد روابط متقابل با دیگران، آشنایی وابستگی به مکان را رشد داده و بنیان‌های عاطفی آن را مستحکم می‌سازد و اضطراب مردم را در محیط کاهش می‌دهد .

نظریه دیوید چپ من:[2] فضاهای عمومی شهرک‌ها و شهرهای ما پشت‌صحنه اساسی زندگی را تشکیل می‌دهند. در این فضاها تفکرات و رفتار ما ممکن است به‌سوی ضداجتماعی بودن سوق یابد یا برعکس فضاها می‌توانند جذاب و لذت‌بخش بوده و اجتماعی بودن را تشویق کنند چپ من فضاهای شهری تعریف‌شده را دارای ویژگی‌های توالی، تنوع، شگفتی، مجرد بودن و احساس محصور بودن می‌داند تا بتوانند احساس امنیت ایجاد کنند؛ زیرا وضع و شکل فضاها می‌تواند در ایجاد حس آسایش یا ناراحتی مؤثر باشد (۵) به نظر چپ من مسیرهای عبور و مرور طولانی و باریک، طاقت‌فرسا هستند و شانسی را برای فرار باقی نمی‌گذارند مگر اینکه به‌وسیله ساختمان‌های مورداستفاده محصورشده باشند. خیابان‌های پهن‌تر فرصت پرهیز از عبور و مرور در کنار بیگانگان یا عبور از گوشه‌های کور را در فاصله‌ای فراهم می‌کنند که بتوان از حمله غافلگیرانه مصون ماند. هرچه ارتباط بین فعالیت‌های ساختمان‌ها و خیابان‌ها بیشتر باشد، خیابان‌ها امنیت بیشتری می‌یابند. مغازه‌های رو به خیابان و خانه‌های مسکونی دارای بالکن مواردی هستند که احساس امنیت را ایجاد کرده و دیوارهای خالی بلند، ساختمان‌های بدون استفاده، پنجره‌های باریک همگی نوع احساس اضطراب و ترس را اگرنه به ساکنان ساختمان‌ها، به استفاده‌کنندگان از فضا منتقل می‌کنند. (۵)

نظریه راجر ترانسیک:[3] ترانسیک در کتاب خود تحت عنوان «کشف فضای گمشده» به مسئله فضاهای بی‌استفاده یا فضاهایی که استفاده کافی از آن‌ها نمی‌شود توجه می‌کند. ازنظر او فضاهای شهری بی‌استفاده هستند که هیچ‌گونه اثر مثبتی در محیط اطراف و استفاده‌کنندگان ندارد. فضاهایی که به‌طور ضعیفی تعریف‌شده‌اند. مرز و محدوده قابل‌اندازه‌گیری ندارند و میان عناصر شهر پیوستگی ایجاد نمی‌کنند. این فضاها بقایای زمین‌های اطراف ساختمان‌های مرتفع، میدان‌های بدون استفاده، پارکینگ‌ها و زمین‌های هستند که در حاشیه راه‌ها وجود دارند و بدون حضور انسان‌ها رشد کرده‌اند و هیچ‌کس به حفظ آن‌ها اهمیت نمی‌دهد و به‌ندرت مورداستفاده قرار می‌گیرند (۹)

نظریه زیست‌محیطی: در مکتب شیکاگو نظریه زیست‌محیطی توسط رابرت پارک و ارنست برجس توسعه داده‌شده است. طبق این دیدگاه، جرم و جنایت همیشه حاصل یک نوع توزیع جغرافیایی نابرابر است که این تغییر درنتیجه از دست رفتن روابط متقابل انسان‌ها و محیط اطراف است. کیلفورد شاو و مک کی هنری (۱۹۴۲) به‌عنوان حامیان رویکرد محیط‌زیست و نظریه آشفتگی اجتماعی معتقدند که در مناطق با بالاترین میزان جرم، وضعیت اجتماعی ـ اقتصادی پایین، تعداد زیاد اقلیت‌های قومی و نژادی، تحرک مسکونی بالا در میزان ارتکاب به جرم دخیل می‌باشند. همچنین در مطالعه‌ای که انجام دادند آن‌ها مشاهده کردند که در مناطق جرم خیز عوامل ساختاری فقر، عدم تجانس بالا و همچنین عدم تحرک اجتماعی وجود دارد. همین رویکرد شاو و مک کی شکل جدیدی در مکتب شیکاگو به خود گرفت. آن‌ها با استفاده از نقشه‌برداری کامپیوتری و تجزیه‌وتحلیل مکانی از طریق سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS در شکل دادن به این رویکرد جدید استفاده کردند(۳۵).

نظریه پیوند افتراقی: ادوین ساترلند از اعضای مکتب شیکاگو جرم را به آنچه تفاوت ارتباطات نامیده است مربوط می‌داند، مفهوم تفاوت ارتباطات بسیار ساده است، در جامعه‌ای که دارای خرده‌فرهنگ‌های گوناگون و متعددی است برخی محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، درصورتی‌که محیط‌های دیگر چنین نیستند. افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند، بزهکار می‌شوند. به نظر ساترلند اکثر رفتار بزهکارانه درون گروه‌های نخستین به‌ویژه گروه همسالان فراگرفته می‌شود. نظریه پیوند افتراقی نشان می‌دهد که جنایت و انحراف از طریق انتقال فرهنگی در گروه‌های اجتماعی و محیط اجتماعی آلوده به فساد یاد گرفته می‌شود و به وقوع می‌پیوندد. بحث ارتباط با گروه‌های بزهکار از این نظر مطرح می‌شود که معمولاً آن‌ها در محله‌های آسیب‌زا و محروم ازنظر اقتصادی و اجتماعی زندگی می‌کنند که فاقد امکانات لازم برای یک جامعه است (۱۶)

نظریه نابسامانی اجتماعی و جرم: بر طبق این دیدگاه، نابسامانی روزافزون اجتماعی درنتیجه افزایش بیش‌ازحد جرائم است. شاو و مک کی (۱۹۴۲) سه عامل اجتماعی را شناسایی کرده‌اند که سازمان اجتماعی را کاهش می‌دهند. این سه عامل مشتمل بر منزلت پایین اقتصادی، ناهمگنی قومی- نژادی و تحرک مسکونی است. افزون بر این سامپسون و گراوز (۱۹۸۹) اختلال و نابسامانی خانوادگی و شهرنشینی را به‌عنوان دلایل نابسامانی اجتماعی بیان کرده‌اند. پژوهش‌های تجربی میت هاگس و مک دوال (۱۹۹۱)، سامپسون (۱۹۹۷)، سامپسون و گراوز (۱۹۸۹)، وارنر و پیرس (۱۹۹۳) نظریه نابسامانی و جرم را تأیید کرده‌اند .گفتمان غالب این تئوری گویاست که اگر گزاره‌های «نظم» و «نظارت و مراقبت»

---

[1] -John Lang.
[2] -David chep man.
[3] -Roger transyk.

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

از نظام اجتماعی حذف شوند، طی یک فرآیند قابل‌انتظار، قابلیت شکست نهادهای کنترلی جامعه و کلیه ارکان آن‌ها و به‌تبع محیط پیرامون در برابر تهاجمات جنایی همیشه قابل پیش‌بینی و محتمل خواهد بود. چنین مسئله‌ای در غایت امر به فرآیند فراگیر «افول مدنیت» دامن خواهد زد (۳۷)

نظریه فشار اجتماعی[1]: جامعه‌شناسانی که جرم را نتیجه مستقیم فقر و خشم طبقه پایین می‌دانند نظریه‌پردازان فشار نامیده می‌شوند. سؤال اصلی در نظریه فشار این است که چرا مردم کج‌رفتاری می‌کنند؟ به نظر مرتن بین اراده برای ارتکاب جرم و توزیع ناعادلانه درآمد برای تأمین نیازهای فردی ارتباط مستقیم وجود دارد اگرچه اکثر مردم اهداف و ارزش‌های مشابهی دارند اما توانایی دستیابی به اهداف شخصی به‌وسیله طبقه اقتصادی ـ اجتماعی محدودشده است. رابرت مرتن معتقد است فشار در مناطق مرفه به خاطر در دسترس بودن فرصت‌های آموزشی و رفاهی ناچیز است، اما در مناطق بی‌سازمان به خاطر اینکه راه‌های مشروع و قانونی حصول موفقیت بسته است فشار رخ می‌دهد. مردم تهیدست برای رهایی از فشار ممکن است از روش‌های منحرفانِ مانند سرقت، دادوستد مواد مخدر و ... برای رسیدن به اهدافشان استفاده کنند (۷)

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق

پیمایش روش تحقیقی اجتماعی است که در آن به‌طورمعمول از پرسشنامه استفاده می‌شود. همچنین به خاطر هدف این پژوهش که گسترش دانش درزمینه مدیریت بهتر مناطق جرم خیز است، لذا ازنظر هدف این دست از تحقیقات را می‌توان در زمره تحقیقات کاربردی دسته‌بندی کرد.

- جامعه آماری: جامعه آماری این تحقیق اطراف میدان و بلوار کارگر در محله بان‌برز (از محلات حاشیه‌ای شهر) واقع در منطقه ۲ شهر ایلام است که می‌توان نتیجه این تحقیق را به کلیه فضای این منطقه تعمیم داد.
- روش نمونه‌گیری و قلمرو مکانی و زمانی تحقیق: در این تحقیق برای ارائه پرسشنامه از روش نمونه‌گیری تصادفی-سیستماتیک استفاده‌شده است. بدین ترتیب که توزیع پرسشنامه‌ها بین خوشه‌های مختلف سنی، جنسی، شغلی در منطقه جغرافیایی بلوار کارگر و اطراف میدان کارگر صورت گرفته است. برای توزیع پرسشنامه بر اساس مدل نمونه‌گیری کوکران نمونه موردنظر انتخاب‌شده است (۳۶۴) که برای اطمینان خاطر این تعداد به ۴۰۰ پرسشنامه ارتقا داده‌شده است. پرسشنامه‌ها به شکل تصادفی و سامانمند بین خانوارهای این منطقه توزیع‌شده، به‌نحوی‌که به هر خانوار یک پرسشنامه داده‌شده است. قلمرو مکانی در پژوهش حاضر محله بان‌برز واقع در منطقه ۲ و شمال شرق شهر ایلام بوده است. گردآوری مطالب، آمار و توزیع پرسشنامه و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها این تحقیق در زمستان ۱۳۹۵ صورت گرفته است.

متغیرهای تحقیق و مقیاس مورداستفاده

متغیر وابسته در این پژوهش نوع جرم است. جرائم و ناهنجاری‌های موجود در شهر را بر اساس ملاک‌های مختلف می‌توان دسته‌بندی کرد. این دسته‌بندی‌ها نه‌تنها اهمیت بعضی از جرائم را نسبت به بعضی دیگر نشان می‌دهد بلکه تصویر دقیق‌تری از انواع ناهنجاری‌های موجود در شهر را نشان می‌دهد. ملاک طبقه (جرائم پایین‌دستی و بالادست)، ملاک مرئی بودن یا پنهانی بودن ارتکاب جرم، ملاک سازمان‌یافتگی و نایافتگی از ملاک‌های تقسیم‌بندی انواع جرائم هستند. در اینجا ما انواع جرائم را به جرائم علیه اموال، جرائم علیه اشخاص و جرائم مربوط به مواد مخدر تقسیم کرده‌ایم.

جدول شماره ۱: متغیرها

متغیر وابسته		متغیر مستقل
نوع و میزان جرم	جرائم مربوط به مواد مخدر	اندازه و فرم فضا
		کیفیت بصری و محیطی

[1]- Theory of social pressure

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

	ضرب‌وجرح	سطح نظارت و کنترل رسمی
	سرقت	ناهمگونی قومی و شکاف طبقاتی
		ابعاد اجتماعی و فرهنگی

همچنین در این تحقیق در مورد سؤالات جمعیت شناختی از مقیاس اسمی و ترتیبی استفاده‌شده است. برای پاسخ‌گویی به سؤالات هر متغیر موجود در مدل پیشنهادی از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده‌شده است؛ بنابراین مقیاس مورداستفاده در این سؤالات مقیاس‌های ترتیبی است که امتیازبندی آن‌ها از یک (خیلی کم) تا پنج (خیلی زیاد) است.

سنجش روایی و پایایی

- روایی: به‌منظور تعیین روایی (وسیله اندازه‌گیری، بتواند خصیصه و ویژگی موردنظر را اندازه بگیرد) پرسشنامه، از روایی صوری و روایی محتوایی استفاده‌شده است.
- پایایی: در این تحقیق به‌منظور تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرون باخ استفاده‌شده است. ضریب آلفای کرون باخ به‌صورت جداگانه برای متغیرهای مختلف و برای کل پرسشنامه محاسبه‌شده است. نتایج اندازه‌گیری پایایی متغیرها در جدول (۲) آمده است.

جدول شماره ۲: ضریب آلفای کرون باخ متغیرها

شاخص‌ها	آلفای کرون باخ
اندازه و فرم فضا	.۷۷۸
کیفیت بصری و محیطی	.۷۶۷
سطح نظارت و کنترل رسمی	.۸۶۵
ناهمگونی قومی و شکاف طبقاتی	.۷۸۳
ابعاد اجتماعی و فرهنگی	.۸۵۹
کل پرسشنامه	.۹۲۹

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها به دو صورت توصیفی و استنباطی است، آمار توصیفی برای توصیف ویژگی‌های نمونه بکار رفته است. در آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی و نمودار درصد فراوانی و از آمار استنباطی برای تبیین روابط بین متغیرها و تعمیم نتایج به جامعه استفاده‌شده است. در آمار استنباطی از روش‌های مختلفی بهره گرفته‌شده است. ازآنجایی‌که نوع نمونه‌گیری به‌کاررفته در این تحقیق نمونه‌گیری کوکران بوده است لذا داده‌ها کمی و نرمال بوده و ما می‌توانیم از روش‌های پارامتریک برای سنجش روابط بین متغیرها استفاده کنیم، بنابراین به‌منظور بررسی همبستگی بین متغیرهای تحقیق از روش همبستگی پیرسون استفاده‌شده است. درنهایت برای آزمون فرضیات از روش تحلیل رگرسیونی بهره گرفته‌ایم.

تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

از ۴۰۰ نفر پاسخگو ۲۶۱ نفر مرد (تقریباً ۶۶٪ از جامعه آماری) و ۱۳۹ نفر (۳۴٪) نیز زن بوده‌اند. علت کاهش تمایل مشارکت زنان در پاسخگویی به سؤالات پژوهش تا حدود زیادی به بافت مردسالار جامعه شهری ایلام برمی‌گردد. آنچه در این میان مشهود است بافت سنتی و مردسالاری در شهر ایلام است که در آن کمرنگی و کاهش مشارکت و نقش زنان به‌عنوان یک مؤلفه اساسی خودنمایی می‌کند و آثار خود را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت‌ها از این نوع نشان می‌دهد.

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

همچنین در نمونه موردبررسی، میزان درآمد افراد در ۵ ردیف طبقه‌بندی‌شده است که بیشترین میزان فراوانی با ۱۸۷ نفر (۴۷٪) مربوط به طبقه اول با درآمد کمتر از ۳۰۰ هزار تومان بوده است. ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان ۱۰٪، درآمد ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان نیز ۱۰٪ و درآمد بالای ۷۰۰ هزار تومان فراوانی ۳۳٪ درصد از پاسخ‌گویان را به خود اختصاص داده است. با توجه داده‌های به‌دست‌آمده شاهد نوعی شکاف اقتصادی عمیق در جامعه موردمطالعه هستیم.

همچنین اطلاعات مربوط به ویژگی‌های سنی نشان می‌دهد: بیشتر پاسخگویان به ترتیب در گروه‌های سنی ۳۵-۲۵ سال (۲۱۰ نفر بیش از ۵۰٪)، ۲۴-۱۵ سال (۵۰ نفر معادل ۱۲/۵٪) قرار دارند که نشانگر جوان بودن جمعیت مشارکت‌کننده بوده است. با توجه به جوان بودن جمعیت جامعه آماری، چنانچه وجود این پتانسیل ذاتی در جامعه با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری همه‌جانبه و متناسب توأم باشد، می‌تواند به‌عنوان یک نیروی محرکه زمینه‌ساز تحولات اقتصادی – اجتماعی گسترده و پایدار در جامعه گردد.

ازنظر سطح تحصیلات بیشترین فراوانی با میزان ۴۱٪ مربوط به سطح تحصیلات لیسانس است و سطح تحصیلات دیپلم نیز با فراوانی ۳۴٪ درصد در رتبه دوم قرار دارد. شغل آزاد ۳۳٪، بی‌کار ۲۵٪، دانشجو ۱۶٪ بیشترین فراوانی‌ها را در طبقه‌بندی شغل به خود اختصاص داده‌اند.

اطلاعات مربوط به تعداد افراد خانوار در نمونه موردبررسی نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به خانوارهای ۵ نفرِ و بالاتر است با میزان ۶۰٪ از کل خانوارها. تعداد خانوار ۴ نفرِ فراوانی ۱۸ درصد را نشان می‌دهد. داده‌های به‌دست‌آمده نشانگر گسترش بعد خانوار در جامعه موردمطالعه است که در صورت عدم برنامه‌ریزی مناسب می‌تواند باعث بروز مشکلات اجتماعی – اقتصادی بی‌شماری در جامعه شود؛ و توزیع درصد فراوانی مربوط به سابقه سکونت نشان می‌دهد که از این جامعه آماری تعداد ۲۴۰ نفر بالای ده سال سابقه سکونت در محله را داشته‌اند (۵۸٪) که به‌نوعی نشانگر سنتی بودن بافت جمعیتی منطقه موردمطالعه بوده است. ۸٪ سابقه کمتر از یک سال سکونت داشتند و ۲۰٪ سابقه یک تا پنج سال داشته‌اند. این موضوع نشان‌دهنده میزان بالای مهاجرپذیری منطقه است.

نحوه پاسخگویی به سؤالات توسط ساکنان در جدول شماره (۳) بیان‌شده است. این جدول نشان‌دهنده میزان پاسخگویی ساکنان و کسبه محله بان‌برز به پرسش‌ها در طیف لیکرت است.

جدول شماره ۴: طیف نظرات ساکنان نسبت به شاخص‌های تحقیق

شاخص‌ها	گرایش غالب نظرات و درصد فراوانی		میانگین
اندازه و فرم فضا	زیاد	۴۲,۴	۲۳,۷۲
کیفیت بصری و محیطی	متوسط و زیاد	۷۸,۶	۳۲,۷۵
سطح نظارت و کنترل رسمی	خیلی کم	۳۸,۵	۷,۶۱
ناهمگونی قومی و شکاف طبقاتی	متوسط و زیاد	۶۷,۷	۲۹,۴۴
ابعاد اجتماعی و فرهنگی	زیاد	۴۳,۴	۳۰,۵۷

آزمون همبستگی

جرائم و ناهنجاری‌های موجود در شهر را بر اساس ملاک‌های مختلف می‌توان دسته‌بندی کرد. این دسته‌بندی‌ها نه‌تنها اهمیت بعضی از جرائم را نسبت به بعضی دیگر نشان می‌دهد بلکه تصویر دقیق‌تری از انواع ناهنجاری‌های موجود در شهر را نشان می‌دهد. در این پژوهش انواع جرائم به جرائم علیه اموال، جرائم علیه اشخاص و جرائم مربوط به مواد مخدر تقسیم‌شده است. جرائم مربوط به مواد مخدر با فراوانی ۶۶٪ درصد بیشترین میزان انواع جرائم را در شهر ایلام به خود اختصاص داده است. جرائم علیه اشخاص تقریباً با ۲۳٪ درصد در رتبه دوم و جرائم علیه اموال با فراوانی ۱۱٪ در رتبه سوم قرار دارد. در ادامه میزان همبستگی متغیرهای تحقیق با این دست از جرائم تبیین می‌گردد.

در این قسمت ضریب همبستگی بین متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون محاسبه‌شده است. ضریب همبستگی بین متغیرها به شرح جدول شماره (۵) است.

رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۶۶- ۱۴۸

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

جدول شماره ۵: ضریب همبستگی بین متغیرهای تحقیق

متغیر	اندازه و فرم فضا	کیفیت بصری و محیطی	سطح نظارت و کنترل رسمی	ناهمگونی قومی و شکاف طبقاتی	ابعاد اجتماعی و فرهنگی	نوع جرم
اندازه و فرم فضا	1 398	.687** .000 395	-.001 .994 397	.599** .000 392	.631** .000 395	.547** .000 396
کیفیت بصری و محیطی	.687** .000 395	1 391	.286** .000 390	.596** .000 390	.595** .000 390	.645** .000 392
سطح نظارت و کنترل رسمی	-.001 .994 397	.286** .000 390	1 395	-.117 .101 391	-.122 .089 391	.057 .463 391
ناهمگونی قومی و شکاف طبقاتی	.599** .000 392	.596** .000 390	-.117 .101 391	1 392	.774** .000 386	.693** .000 392
ابعاد اجتماعی و فرهنگی	.631** .000 395	.595** .000 390	-.122 .089 391	.774** .000 386	1 395	.664** .000 390
نوع جرم	.547** .000 396	.645** .000 392	.057 .463 391	.693** .000 392	.664** .000 390	1 394

**** در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار باشد.**

با توجه داده‌های این جدول تمامی متغیرهای تحقیق با سطح اطمینان ۹۹٪ درصد با همدیگر ارتباط و همبستگی معنی‌داری نشان می‌دهند. تنها شاخص سطح نظارت و کنترل رسمی با اکثر متغیرهای تحقیق ارتباط معنی‌داری نداشته و ضریب همبستگی آن منفی است. بااین‌حال بین سطح نظارت و کنترل رسمی با متغیر کیفیت بصری و محیطی ارتباط کاملاً معنی‌داری وجود داشته و ضریب همبستگی آن‌ها ۲۸٪ درصد است که این فراوانی سطح معنی‌داری بین دو متغیر را نشان می‌دهد.

همان‌طور که داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد بین تمام متغیرهای تحقیق (به‌استثنای متغیر سطح نظارت و کنترل رسمی که ضریب همبستگی آن ۵۳ است) با نوع جرم همبستگی وجود دارد و هرکدام از این متغیرها تااندازه‌ای نوع جرم را تبیین می‌کنند. از میان مجموع متغیرها، متغیر ناهمگونی قومی و شکاف طبقاتی بیشترین همبستگی را با نوع جرم دارد (٪۶۹) و بیشتر از سایر متغیرها می‌تواند نوع جرم را تبیین کند. در اینجا باید به این نکته اشاره برد که متغیر کنترل رسمی هرچند نمی‌تواند همبستگی معناداری با نوع جرم داشته باشد ولی بی‌شک تأثیر این متغیر مهم بر میزان جرائم بدیهی باشد.

تحلیل رگرسیونی

با توجه به جدول شماره (۶) اکثر متغیرهای تحقیق (به‌جز متغیر سطح نظارت و کنترل رسمی) با متغیر وابسته ارتباط معنی‌داری دارند و می‌توانند متغیر وابسته را تبیین کنند. در مورد متغیر سطح نظارت و کنترل رسمی می‌توان گفت به علت عدم معناداری هیچ تأثیری بر متغیر وابسته تحقیق نداشته و نمی‌تواند آن را تبیین کند.

جدول ۶: تحلیل رگرسیونی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب مسیر	ضریب تی	سطح معنی‌داری	تغییرات ضریب تعیین	تغییرات F
نوع جرم	اندازه و فرم فضا	.571	9.022	.000	.292	81.743 .000[b]

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

	کیفیت بصری و محیطی	.613	11.327	.000	.419	135.791 .000[b]
	سطح نظارت و کنترل رسمی	.093	.711	.460	.002	.517 .463[b]
	ناهمگونی قومی و شکاف طبقاتی	.657	13.042	.000	.471	170.786 .000[b]
	ابعاد اجتماعی و فرهنگی	.628	12.164	.000	.433	146.381 .000[b]

با توجه به داده‌های جدول شماره (۷) اکثر متغیرهای مستقل (به‌جز متغیر سطح نظارت و کنترل رسمی و اندازه و فرم فضا) در تحلیل رگرسیونی با متغیر وابسته یعنی نوع جرم ارتباط معنی‌داری نشان می‌دهند. با توجه به ضریب مسیر متغیرهای تحقیق، متغیر ناهمگونی قومی و شکاف اقتصادی با ۳۱٪ درصد بیشترین سهم را در تبیین متغیر وابسته به خود اختصاص داده است. بدین ترتیب اگر متغیر ناهمگونی قومی و شکاف طبقاتی یک واحد تغییر کند و بهبود یابد ۳۱٪ درصد بر نوع جرم تأثیر می‌گذارد. تغییر و بهبود یک واحدی متغیر کیفیت بصری و محیطی می‌تواند تا ۲۶٪ درصد نوع جرم را مشخص کند و بر ماهیت آن تأثیر بگذارد. در مورد متغیر ابعاد اجتماعی و فرهنگی به ازای هر واحد تغییر تا ۲۸٪ درصد می‌توان نوع جرم را در مناطق مختلف مشخص کرد. از بین متغیرهای تحقیق، متغیر سطح نظارت و کنترل رسمی و اندازه و فرم فضا به علت عدم معناداری با متغیر وابسته (نوع جرم) هیچ‌گونه ارتباطی نداشته، لذا هیچ‌گونه نقشی در تبیین متغیر وابسته ندارند.

جدول ۷: تحلیل رگرسیونی متغیرهای تحقیق با متغیر وابسته

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب مسیر	ضریب تی	سطح معنی‌داری	تغییرات ضریب تعیین	تغییرات F
نوع و میزان جرم	اندازه و فرم فضا				.548	43.846 .000[b]
	کیفیت بصری و محیطی	.264	3.311	.002		
	سطح نظارت و کنترل رسمی					
	ناهمگونی قومی و شکاف طبقاتی	.319	3.894	.000		
	ابعاد اجتماعی و فرهنگی	.280	3.525	.001		

بر اساس داده‌های جدول شماره ۸ تحلیل رگرسیونی بین نوع جرائم علیه اموال و متغیرهای تحقیق ارتباط معنی‌داری وجود داشته است.

جدول شماره ۸-تحلیل رگرسیونی متغیر علیه اموال با متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب مسیر	ضریب تی	سطح معنی‌داری
جرائم علیه اموال	اندازه و فرم فضا			
	کیفیت بصری و محیطی	.409	3.917	.000
	سطح نظارت و کنترل رسمی	.173	2.278	.027
	ناهمگونی قومی و شکاف طبقاتی	.248	2.301	.024
	ابعاد اجتماعی و فرهنگی			

متغیر ناهمگونی قومی و شکاف اقتصادی تا سطح ۲۴٪ درصد می‌تواند جرائم علیه اموال را به‌عنوان متغیر وابسته تبیین کند؛ بنابراین تغییر یک واحد متغیر یادشده تا سطح ۲۴٪ درصد می‌تواند جرائم علیه اموال را عملیاتی کند. متغیر کیفیت بصری و محیطی تا سطح ۴۰٪ درصد می‌تواند متغیر وابسته (جرائم علیه اموال) مورد تبیین و تحلیل قرار دهد. بدین ترتیب با تغیر و بهبود یک واحد متغیر کیفیت بصری و محیطی

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

تا سطح ۴۰٪ درصد می‌توان جرائم علیه اموال را کنترل کرد. در مورد متغیر کنترل و نظارت رسمی با تغییر و بهبود یک واحدی این متغیر تا سطح ۱۶٪ درصد می‌توان بر جرائم علیه اموال نظارت و کنترل داشت.

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از جدول شماره ۹ تحلیل رگرسیونی متغیر ناهمگونی قومی و شکاف اقتصادی تا سطح ۲۸٪ درصد می‌تواند ماهیت جرائم مواد مخدر را تبیین نماید؛ بنابراین با تغییر و بهبود یک واحدی متغیر یادشده تا ۲۸٪ درصد می‌توان متغیر وابسته (جرائم مربوط به مواد مخدر) را کنترل نمود. در مورد متغیر ابعاد اجتماعی و فرهنگی تا سطح ۴۵٪ درصد می‌تواند ماهیت متغیر وابسته (جرائم مربوط به مواد مخدر) را تعین کند. لذا تغییر یک واحدی این متغیر ۴۵٪ درصد متغیر وابسته جرائم مربوط به مواد مخدر را تبیین می‌کند.

جدول شماره ۹-تحلیل رگرسیونی جرائم علیه مواد مخدر با متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب مسیر	ضریب تی	سطح معنی‌داری
جرائم مواد مخدر	ناهمگونی قومی و شکاف طبقاتی	.280	3.261	.002
	ابعاد اجتماعی و فرهنگی	.457	5.168	.000

در مورد جرائم علیه اشخاص متغیر ناهمگونی قومی و شکاف اقتصادی و متغیر کیفیت بصری و محیطی به ترتیب تا سطح ۳۰٪ درصد و ۲۵٪ درصد می‌توانند ماهیت متغیر وابسته را تبیین کنند (جدول شماره ۱۰)؛ بنابراین با تغییر یک واحد بر هرکدام از متغیرهای یادشده، به ترتیب ۳۰٪ درصد و ۲۵٪ درصد می‌توانند متغیر وابسته (ضرب‌وجرح) را تبدیل و تحویل کنند.

جدول شماره ۱۰-تحلیل رگرسیونی متغیر ضرب‌وجرح با متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب مسیر	ضریب تی	سطح معنی‌داری
جرائم ضرب‌وجرح	اندازه و فرم فضا			
	کیفیت بصری و محیطی	.256	2.569	.008
	سطح نظارت و کنترل رسمی			
	ناهمگونی قومی و شکاف طبقاتی	.304	3.049	.002
	ابعاد اجتماعی و فرهنگی	.455	5.138	.000

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

شناسایی علل شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز و به دنبال آن ارائه راهکار برای مدیریت بهتر و پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی در این مناطق ازجمله اهداف نهایی تحقیقات جرم شناسان و جامعه شناسان است. به‌طورمعمول نیروهای بالقوه‌ای در این مناطق وجود دارد که زمینه ایجاد بحران و تنش‌های اجتماعی را فراهم می‌نمایند. استان ایلام که معمولاً به‌عنوان یکی از جرم‌خیزترین استان‌ها به نقطه‌ای داغ در نقشه‌ی جغرافیای جنایی ایران تبدیل‌شده است به‌عنوان محیطی بکر برای مطالعات اجتماعی مجموعه‌ای از عوامل مخرب (ضعف و تناقض ساختاری، بی‌برنامگی اجتماعی، شکاف طبقاتی و دیگر نارسایی‌های مدیریتی) را به‌صورت آشکار و محسوس برای هر محققی نمایان می‌سازد. همان‌گونه که در این تحقیق نیز مشخص شد هریک از متغیرهای مستقل (به‌جز متغیر سطح نظارت و کنترل رسمی و اندازه و فرم فضا) در تحلیل رگرسیونی با متغیر وابسته یعنی نوع جرم ارتباط معنی‌داری نشان می‌دهند. با توجه ضریب مسیر متغیرها تحقیق، متغیر ناهمگونی قومی و شکاف اقتصادی با ۳۱٪ درصد بیشترین سهم را در تبیین متغیر وابسته به خود اختصاص داده است. بدین ترتیب اگر متغیر ناهمگونی قومی و شکاف طبقاتی یک واحد تغییر کند و بهبود یابد ۳۱٪ درصد بر نوع جرم تأثیر می‌گذارد. تغییر و بهبود یک واحدی متغیر کیفیت بصری و محیطی می‌تواند تا ۲۶٪ درصد نوع جرم را مشخص کند و بر ماهیت آن تأثیر بگذارد. در مورد متغیر ابعاد اجتماعی و فرهنگی به ازای هر واحد تغییر تا ۲۸٪ درصد می‌توان نوع جرم را در مناطق مختلف مشخص کرد. از بین متغیرهای تحقیق، متغیر سطح نظارت و کنترل رسمی و اندازه و فرم فضا به علت عدم معناداری با متغیر وابسته (نوع جرم) هیچ‌گونه ارتباطی نداشته، لذا هیچ‌گونه نقشی در تبیین متغیر وابسته ندارد.

تابه‌حال تلاش‌های زیادی از سوی دانشمندان علوم مختلف در جهت شناسایی یک تئوری جامع که همه علل ارتکاب جرم را بیان کند صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد هنوز موفقیت چندانی در این زمینه به دست نیامده است و هرکدام از نظریه‌های موجود تنها بخش اندکی از واقعیت‌های جرم را بیان می‌دارد. به‌تبع این موضوع باید گفت که یک نسخه کامل و آماده جهانی برای پیشگیری از جرم وجود ندارد؛ درنتیجه این تحقیق پژوهشگر قصد ندارد که مدل واحد و مجردی را برای مدیریت مناطق و کنترل جرم بیان دارد، اما با توجه به شناسایی بعضی از علل ارتکاب جرم در مناطق جرم خیز راهکارها و راهبردهایی در جهت کنترل جرم و مدیریت بهتر این مناطق بیان می‌گردد.

جرم محصول ترکیبی از شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، فاکتورهای ذاتی و روانی و فرصت‌های قابل‌دسترس است. در مورد شهر ایلام می‌توان گفت که جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی دارای خصیصه سازمان‌یافته است که نتیجه زندگی جمعی، شکاف طبقاتی، فقر و فرهنگ در حال گذار و... است. نهادینه و سنتی شدن بعضی از ناهنجاری‌ها در مناطق جرم خیز و کاهش خودکنترلی افراد به علل مختلف موجب شکل‌گیری الگوهای فرهنگی نامناسب و انتقال این الگوهای رفتاری به نقاط دیگر می‌شود. فشارهای درونی و بیرونی در جهت ارتکاب جرم همیشه در تقابل با عوامل بازدارندگی درونی و بیرونی هستند. راهکارهای کاهش جرم تنها کاهش فشارهای درونی (خشم، ترس، عدم رضایت از زندگی، اضطراب و...) و کشش‌های بیرونی (فقر، بی‌کاری، شکاف طبقاتی و ...) و سیاست گزاری صحیح بر روی سیستم کیفری است. راهبردهای آتی برای مدیریت بهتر این مناطق باید در جهت کاهش تضادهای محیطی، فرهنگی و اجتماعی باشد. بعضی از این برنامه‌ها می‌تواند مربوط به سیستم کیفری باشد، چراکه وظیفه ناتوان‌سازی مجرمین و اصلاح و پیشگیری از جرم بیش از سایر نهادها از وظایف قوه قضاییه است. همچنین سیاست گزاری محیطی در جهت کاهش فرصت‌ها و افزایش امنیت در مناطق جرم خیز می‌تواند در مدیریت بهتر این مناطق مفید باشد؛ و از همه مهم‌تر مبارزه با علل ساختی جرم مانند؛ شکاف طبقاتی، فقر، بی‌کاری و بی‌سوادی در جهت کاهش جرم مؤثر خواهد بود. راهبردهای عملی برای مدیریت بهتر مناطق جرم خیز شهر ایلام به شرح جدول شماره ۱۱ است.

رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۶۶ - ۱۴۸

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

جدول شماره ۱۱: راهبردهای مدیریت بهتر مناطق جرم خیز

مدیریت بهتر مناطق												
سیاست‌های مربوط به سیستم کیفری			سیاست‌گذاری بر روی فضای فیزیکی					سیاست‌گذاری بر روی علل ساختی جرم				
اصلاح و بازپروری مجرمین	استفاده از فرآیند عدالت ترمیمی	استفاده بیشتر از مجازات‌های جایگزین حبس	کاهش فرصت‌ها		افزایش امنیت			مبارزه با شکاف طبقاتی	مبارزه با فقر	مبارزه با بی‌کاری	مبارزه با بی‌سوادی	جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه
			محدود ساختن منابع برای کج‌روی	دقت در مهندسی و طراحی محیطی	کنترل اجتماعی غیررسمی	بکار گرفتن دوربین‌های مداربسته	گشت پلیس و حضور درصحنه					

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

منابع و مراجع

[۱] ابراهیمی زرندی، محمد احسان، «شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم خیز شهری با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS (نمونه موردی: جرائم مواد مخدر در شهر کرمان)»، پایان‌نامه ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.

[۲] بارانی، محمد، «مقاله تحلیل الگوهای مکانی، زمانی بزهکاری در مناطق شهری»، فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی، شماره اول، ۱۳۸۹.

[۳] ببی، ارل، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران، سمت، ۱۳۹۰.

[۴] پوراحمد، احمد، رهنمایی، محمدتقی و کلانتری، محسن، بررسی جغرافیای جرائم در شهر تهران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴، ۱۳۸۲.

[۵] چپ من، دیوید، آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت، مترجم شهرزاد فریادی و منوچهر طببان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

[۶] شیخاوندی، داور، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، نشر و پخش کتاب، ۱۳۵۳.

[۷] صدیق سروستانی، رحمت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران، سمت، ۱۳۸۹.

[۸] صفاری، علی، کونانی، سلمان، درآمدی بر جغرافیای جنایی، تهران، مجد، ۱۳۹۱.

[۹] کاکه‌خانی، منصور، شناسایی و درجه‌بندی کانون‌های جرم خیز و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۴.

[۱۰]کلانتری، محسن، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، رساله دکتری رشته جغرافیا، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.

[۱۱]کلانتری، محسن، بررسی جغرافیایی کانون‌های جرم خیز شهر زنجان، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۴، ۱۳۸۹.

[۱۲]کلانتری، محسن، توکلی، مهدی، شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۶۶، ۱۳۸۶.

[۱۳]کلانتری، محسن، کاربرد فناوری‌های نوین در امور پلیسی، فصل‌نامه مطالعات پیشگیری از جرم، نیروی انتظامی، سال دوم، شماره ششم، ۱۳۸۶.

[۱۴]کی نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

[۱۵]گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، ریاست جمهوری، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران، تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱.

[۱۶]گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی. ۱۳۷۹.

[۱۷]ممتاز، فرید، انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.

[۱۸]نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جامعه‌شناسی جنایی. جزوه درسی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تدوین: رزیتا دارویی، ۱۳۷۴.

[۱۹]نیک خلق، علی‌اکبر، مبانی جمعیت‌شناسی، مشهد، محقق، ۱۳۷۴.

[20] Anselin، I، Cohen، D، Gorr، W and Tita (2000)، G، Spatial Analysis of crime، in measurement and analysis of crime and Justice ،Edited by dearid dattce، vol 4 of criminal justice

[21] Atlas، Randall (1999)، Environmental design that prevent crime، the construction specified، Atlas safety، security design، santamonica

[22] Brantingham، P، J Pattern in crime، first edition، New York، Mcmillan، 1984.

[23] Beker، G (1968)، crime and punishment an economic، approach، journal of political.

[24] Boggs، sarch (1965)، L: Urban crime patterns، Journal of American Sociological Review، Vol 30.

[25] Clark، R، Felson، M, (1998) ، Opportunity makes the thif، Police research series، Policing and reducing crime، London: Home office.

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

[26] Cozens-P (2002) -M، Sustainable urban development and crime prevention through environmental design for the British city، towards an effective urban environmentalism for the 21st century، Cities: the International Journal of Urban Policy and Planning، Vol 19.
[27] Eck، J (1998) ، Weisburd، D، Crime and place، Second edition، New York: Criminal justice press.
[28] Gibbs، Jack، P and Maynard، L (1976) ، E، Crime Rates of American Cities، American Journal of sociology، vol 82.
[29] Jeffrey، C (1977)، R، Crime prevention through environmental design، second edition، Sage Publication.
[30] Jacobs، J (1981) ، the death and life of great American cities، New York، Vintage publication.
[31] Newman، Oscar (1999) ، Defencible Space، Crime prevention through urban design، first edition، New York، Mcmillan.
[32] Ochsen، c (2002) ، crime and labor market policy in Europe، International review of law and economics.
[33] Ochsen ،(2002) ، c ،crime and labor market policy in Europe ،International review of law and economics.
[34] Pyle، G (1974) ، the Spatial Dynamics of crime، University of Chicago Press، Chicago.
[35] Peter Kitchen (2007), Exploring the Link between Crime and Socio-Economic Status in Ottawa and Saskatoon: A Small-Area Geographical Analysis, Research and Statistics Division, Department of Justice Canada.
[36] Pease، K (2006) ،Rational choice theory، in Mclaughlin، J، Muncie، The sage dictionary of criminalogy، second edition، london، sage publication.
[37] Robinson ،M ،(1996)The theoretical of cpted 25 years of responses to c ،Ray Jeffry ، Appalachian state university-department of political science and criminal justice.
[38] Rostami Tabrizi، L، Madanipour (2006) ، A، crime and the City: Domestic Burglary and the Built Environment in Tehran، Habitat International.
[39] Sherman، L (1995)، W، Hot Spots of crime and criminal careers of place، In Eck، J، E، crime and place، first edition، Washington.
[40] Sidney، J (1960). K: Relationship Between Crimes and climate condition، Journal of Georgraphical Research، Vol. 1.
[41] Sónia M. A. Morgado, (2013), Crime and socio-economic context: A framework approach, Advanced Research in Scientific Areas.
[42] Skogan، M (2001) ، Maxfield، M، Reactionsto Crime Project Evanston، I1: Center forurban Affairs، Northwest University، 1980 Nairetal 1993 Cozens etal.
[43] Savilla، G (1997) ، Displacement، a Problem CPTED Practitioner، paper Orlando.
[44] Taylor-R (1998) ، crime and small scale places، what we know، what we can prevent، and what else we need to know crime and place: plenary papers of the.